

گلشن

■ گلشن مهر شناسنامه گلستان است

■ چهارشنبه ۱۱ شهریور ماه ۱۴۰۵ / سال بیست و هشتم / شماره ۳۲۴۲ / صفحه ۸ / ۲۵۰۰۰ تومان

« ۴ - ۵ »



نسیم شمال

مرغوبترین برنج

و خشکبار ایران

☎ تماس: ۰۹۱۱۲۶۹۰۶۷۸ ☎

یادداشت اول

بزرگداشت

ابوریحان بیرونی

■ با مسوولیت سردبیر

سیزدهم شهریور ماه روز بزرگداشت ابوریحان بیرونی دانشمند همه چیز دان ایرانی است که از قضا دست حوادث او را از خوارزم به جرجان آن روزگار و به دربار قابوس بن وشمگیر کشانده است و مدتی را نیز در این منطقه در خدمت قابوس زندگی کرده است و آن چنان که گفته اند در شهر تاریخی جرجان کوشیده بود قطر زمین را بدست آورد و در این راه تلاشهای بسیاری نیز کرده است. شهر تاریخی جرجان خصوصا در دوران آل قابوس از جایگاهی در دانش و علم برخوردار بوده است که بر اساس آنچه کتاب تاریخ جرجان اثر ابوالقاسم سهمی (متوفی ۴۲۷ هـ.ق) با اسامی آورده است نزدیک به هزار دانشمند در آن زندگی می کرده اند، این حجم از حضور دانشوران در جرجان نشانگر آن است که در هزار سال پیش جرجان تاریخی، محل آمد و شد بسیاری از دانشوران و دانشمندان روزگار خویش بوده است و مرکزی بوده است برای تولید دانش. این موهبت موهون حکمرانی خاندان قابوس بر این دیار بوده است و کتاب قابوس نامه که نوشته امیر عنصر المعالی کیکاوس بن اسکندر بن قابوس بن وشمگیر بن زیار است نیز در همین دوران نوشته شده است، در آن دوران آنقدر جرجان دارای ثبات و اقتدار بوده است که نویسندگان و اندیشمندان برای به سلامت ماندن از دست دشمنان گاه مدتی در این منطقه ساکت می شدند و به همین خاطر فهرستی از دانشمندانی که در دوران خود به این منطقه آمده اند امروزه در دسترس است و حکیم ابوالقاسم فردوسی، ابوریحان بیرونی و... نیز در این زمره اند. در کنار این باید ظهور چهره تابناک علوم بلاغی در جهان اسلام و نویسنده دلایل الاعجاز قرآن عبدالقاهر جرجانی را نیز بر همین اساس ارزیابی کرد دانشمندی که پایه های بلاغت و فصاحت را چنان استوار کرد که تا به امروز دانشمندی در اندازه او ظهور نکرده است. به هر روی هر ملتی نیاز دارد تا گاه به او یادآوری شود که از کجا آمده است و در سایه کدام درختان تنآور رشد کرده است تا قدر خود را بداند، منطقه جرجان که امروزه گنبد قابوس نام گرفته است میراث دار عالمان و دانشمندانی است که تنها کاوش درباره آنها نیاز به سالها مطالعه دارد، مسیری که باید به گونه ای جدی به آن اندیشید و آن را در دستور کار قرار داد.

کیفیت گندم باید در قیمت گذاری لحاظ شود

« ۸ »



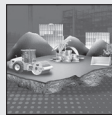
مدرسه تاب آور از تاب آوری معلم تا تاب آوری سازمانی

« ۳ »



۳۷ طرح عمرانی در انتظار اعتبار مالیات

« ۲ »



باز گشایی مدرسه میهن



تخریب گردید. بسیاری از فعالان آموزش و پرورش وقتی از کنار این زمین رد می شوند افسوس می خورند و از خود می پرسند چرا اقدامی صورت نمی گیرد؟

تخریب دبیرستان و تصمیم برای ساخت مدرسه در زمان دولت احمدی نژاد

با توجه به قدمت ساختمان موجود، در زمان دولت محمود احمدی نژاد، تصمیم گرفته شد بنای قدیمی و کهنه مدرسه تخریب و ساختمان جدیدی در آن ساخته شود اما با وقایع پیش آمده، تعلل مقامات مسئول استان، عدم پیگیری و کوتاهی مسئولان سابق و اسبق آموزش و پرورش (استان و گرگان) و.... اقدامی برای ساخت صورت نگرفت و کار عقب افتاد که با گذشت زمان موضوع به حاشیه رفت. از طرف دیگر با توجه به قیمت ممتاز زمین و ارزش اقتصادی و... برخی از ادارات و سازمان ها با طرح شکایت تلاش برای تصرف زمین کردند.

ادامه در صفحه ۲

آموزشی گرگان دارد می گوید: زمین فوق بخشی از باغ آقا محمدخانی بود که بعدها توسط اداره املاک تصاحب اما در اختیار اداره فرهنگ و معارف قرار داده شد و در آن دبستان میهن راه اندازی شد. با تغییرات در آموزش و پرورش، دبستان به مدرسه راهنمایی تحصیل مولوی مبدل و در دوران بعد از انقلاب ۵۷ در قالب دبیرستان دخترانه آیتاله طالقانی فعالیت خود را ادامه داد. وی افزود: من در تمام عمرم جز اختصاص زمین به آموزش و پرورش فعالیت دیگری در آن ندیدم. عزتاله حاج قاسمی یکی دیگر از پیشکسوتان آموزش و پرورش و رئیس کانون بازنشستگان آپ گرگان می گوید: در زمین فوق همیشه مدرسه برپا بود. اصلاً مدتی اداره فرهنگ گرگان در آن مستقر و رئیس اداره فرهنگ هم در آن منزلی داشت. خانم میرکریمی که سالها ریاست دبیرستان دخترانه آیتاله طالقانی را برعهده داشت، می گوید: ما در آنجا سه شیفته فعالیت و نزدیک به هزار دانش آموز در دهها کلاس درس داشتیم. اما هم اکنون دیگر خبری از همههمه و سروصدای دانش آموزان نیست و چندسالی است که ساختمان قدیمی برای ساخت دبیرستان جدید

رحمتاله رجائی - وقتی با پیشکسوتان آموزش و پرورش گرگان از جمله آقایان رحمتاله جباری، عزت... حاج قاسمی، کاظم علاءالدین، مصطفی سیدین و... پیرامون زمین دبیرستان دخترانه آیتاله طالقانی واقع در ابتدای خیابان ۵ آذر (جنب فرمانداری گرگان) صحبت می کردم، آه از نهاد آنها بلند می شد و با افسوس از خاطرات سالها فعالیت مدرسه در آن می گفتند! نکته عجیب برای آنها این بود که چگونه به رغم کمبود زمین برای ساخت مدرسه و نیاز مبرم شهر گرگان به مراکز آموزشی، چرا تاکنون ساخت و سازی صورت نگرفت و زمینی که بیش از ۷۰ سال در آن مدرسه فعالیت می کرد هم اکنون در بهترین نقطه شهر رها شده است؟ تعجب آنها زمانی بیشتر می شد که من خبر از صدور سند تک برگ مالکیت زمین به نفع بنیاد به جای آموزش و پرورش می دادم؟

زمینی که اداره املاک برای تاسیس مدرسه داد

آقای رحمتاله جباری یکی از پیشکسوتان آموزش و پرورش که دهها سال سابقه تدریس در مراکز

ادامه تیر اول

آگهی مزایده برای فروش زمین مدرسه

همه چیز با نصب بنر در وسط زمین دبیرستان آیت... طالقانی در خرداد ۱۴۰۴ آغاز شد، در این بنر آمده بود! «فرصت خرید زمین در بهترین نقاط استان گلستان. همین حالا اقدام کنید» و در یکی دیگر نوشته شده بود «این زمین به فروش می‌رسد» این آگهی مزایده قلب علاقمندان به آموزش و پرورش را لرزاند و آنها را نگران کرد، برخی هم در گرگان به طمع خرید آن افتادند و عده‌ای هم واسطه شدند تا کسانی را از تهران بیاورند که زمین بهترین نقطه شهر را بخرند و لابد پاساژی بسازند؟!

در این حال انجمن حامیان آموزش و پرورش دست به کار شد تا رسالت خود را انجام دهد آنها خود را برای همه چیز آماده و به گفته یکی از اعضای آماده کارزار در دفاع از مدرسه شدند. کاظم علاءالدین مدیرعامل انجمن حامیان آموزش و پرورش می‌گوید: ما سعی کردیم با انجام دیدارها با آیت‌اله نورمفیدی (نماینده ولی فقیه)، طهماسبی (استاندار)، آقایان حمیدی و مهبائی معاونان استانداری، فراهی مدیر کل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس، نظری مدیرکل آموزش و پرورش، علی نصیبی فرماندار گرگان و... اهمیت مسئله و تأثیری که این



امیدهای تازه برای ساخت دبیرستان در زمینی که بیش از ۷۰ سال مدرسه بود

اقدام (فروش) می‌تواند در سطح شهر بگذارد، گوشزد کنیم. خوشبختانه همگی آنها با ما همراهی کردند. علاءالدین افزود: در همین راستا دیداری با مدیرکل بنیاد مستضعفان داشتیم اگرچه در ابتدا مباحثی مطرح شد ولی سرانجام بنیاد مستضعفان حاضر به همکاری گردید.

نگارنده (رحمت‌اله رجائی) در تمام مراحل حضور داشته و در این مورد مباحث زیادی انجام دادیم اتفاقاً مطلبی هم در نشریه هیرکان نوشتم. در دیدار با مسئولان به خصوص مدیرکل بنیاد مستضعفان گفتم: برای ما مهم نیست که مالک این

زمین چه کسی است، روزی اداره املاک پهلوی بود که آن را در ۷۰ سال پیش برای ساخت مدرسه داد و اصلاً هم «حق‌الارض» نگرفت. حال که به گفته برخی، بنیاد مستضعفان سند تک برگ مالکیت گرفته چه اشکال دارد آنها هم این زمین را به ساخت مدرسه اختصاص بدهند، اصلاً چه اشکال دارد بنیاد با این همه سرمایه، دبیرستانی با نام خود در گرگان بسازد! طرح همین بحث و... باعث شد تا خوشبختانه مسئولان بنیاد این زمین را به ساخت مدرسه اختصاص بدهند که جای تشکر دارد.

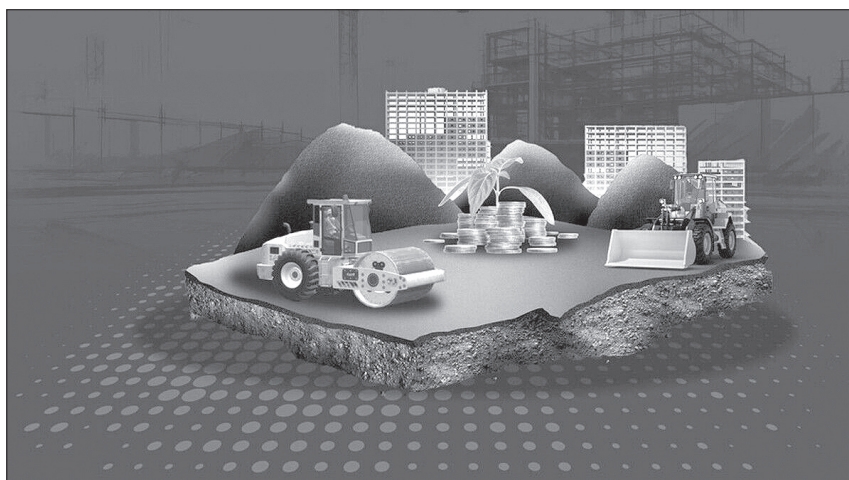
انتظار شهروندان برای به صدا در آمدن زنگ مدرسه

هم اینک همه چیز برای ساخت مدرسه‌ای جدید در زمینی که بیش از ۷۰ سال مدرسه بود، آماده است. خوشبختانه خبری هم برای ساخت اعلام آمادگی کرده است. هم‌اکنون امیدهای تازه ایجاد شده و شهروندان منتظرند تا بار دیگر شاهد به صدا در آمدن زنگ مدرسه و همه‌همه دانش‌آموزان در قلب شهر تاریخی گرگان (استرآباد) باشند. امید داریم هرچه زودتر بر روی زمینی که بیش از ۷۰ سال قبل، دبستان میهن، مدرسه راهنمایی مولوی و دبیرستان دخترانه آیت‌اله طالقانی برپا بود مدرسه‌ای دیگر ساخته شود تا هم‌چنان نام میهن جاودانه باشد. مولوی اشعار خود بسراید و آیت‌اله طالقانی برارائه تفسیر و سخنرانی، قرآن را به صحنه بیاورد. فراموش نکنیم ایران و به ویژه شهر گرگان همچنان به مدرسه نیازمند است.

معلم و پژوهشگر تاریخ آموزش و پرورش

۳۷ طرح عمرانی در انتظار اعتبار مالیات نشان‌دار

کشاورزی و منابع طبیعی، سلف‌سرویس دانشگاه گلستان و برخی طرح‌های حوزه دفاع مقدس از جمله پروژه‌های پیش‌بینی‌شده برای این شهرستان هستند. وی افزود: تکمیل بیمارستان جایگزین کودکان طالقانی گرگان با اعتبار ۲۰ میلیارد تومان، ساختمان آموزشی دانشگاه فنی و حرفه‌ای با ۴۸ میلیارد تومان، آزمایشگاه هسته‌ای دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی با حدود ۲۷ میلیارد تومان و سلف‌سرویس دانشگاه گلستان با ۶۲ میلیارد تومان از جمله طرح‌های مهم شهرستان گرگان در این فهرست هستند. مدیرکل امور مالیاتی گلستان یکی از طرح‌های شاخص شرق استان را بیمارستان ۹۱ تخت‌خوابی گالیکش عنوان کرد و گفت: این پروژه با اعتبار ۱۰۰ میلیارد تومان بار دیگر در فهرست طرح‌های نشان‌دار مالیاتی قرار گرفته است. حاجی‌مشهدی افزود: سال گذشته حدود ۹۹۷ مودی برای مشارکت در تامین مالی این بیمارستان اعلام آمادگی کردند و امیدواریم امسال نیز با اطلاع‌رسانی و پیگیری بیشتر، بخش قابل توجهی از اعتبار موردنیاز آن از این محل تامین شود. وی ادامه داد: جاده مینودشت-کاله-گالیکش نیز با حدود ۹۷ میلیارد تومان اعتبار موردنیاز، از دیگر طرح‌های مهم شرق استان است که در طرح نشان‌دار کردن مالیات قرار گرفته و پس از بیمارستان گالیکش از طرح‌های شاخص این منطقه محسوب می‌شود. مدیرکل امور مالیاتی گلستان همچنین به طرح‌های آبرسانی روستاهای کاله، تکمیل مدرسه ۶ کلاسه در بندرگز، طرح‌های آبرسانی آزادشهر و مراوه‌تپه، پروژه‌های ورزشی علی‌آبادکتول و مینودشت و سایر طرح‌های شهرستانی اشاره کرد و گفت: موفقیت طرح نشان‌دار کردن مالیات در سال جاری بیش از هر چیز به پیگیری دستگاه‌های متولی و مشارکت مودیان وابسته است.



بیشترین تعداد و حجم اعتبارات طرح‌های نشان‌دار مالیاتی را در استان به خود اختصاص داده است. وی افزود: شهرستان گنبدکاووس با هفت طرح در رتبه بعدی از نظر تعداد طرح‌ها قرار دارد و شهرستان‌های آزادشهر، مراوه‌تپه، آق‌قلا، ترکمن، رامیان، گالیکش، علی‌آبادکتول، مینودشت، کاله و بندرگز نیز از دیگر شهرستان‌های برخوردار از این ظرفیت هستند. حاجی‌مشهدی درباره برخی طرح‌های مهم شهرستان گرگان توضیح داد: تکمیل بیمارستان جایگزین کودکان طالقانی گرگان، طرح‌های آبرسانی و تجهیز چاه‌های آب شرب، احداث خانه‌های بهداشت، ساخت مسکن محرومان، احداث زمین‌های چمن مصنوعی، ساختمان آموزشی دانشگاه فنی و حرفه‌ای، آزمایشگاه هسته‌ای دانشگاه علوم

و ۹ طرح در حوزه ورزش با اعتبار حدود ۱۱۸ میلیارد تومان انتخاب شده است. حاجی‌مشهدی افزود: همچنین ۲ طرح در حوزه امنیت با اعتبار حدود ۲۸ میلیارد تومان، ۲ طرح در حوزه صنعت و معدن با اعتبار ۳۳ میلیارد تومان و ۲ طرح در حوزه آموزش عالی، تحقیقات و فناوری در فهرست طرح‌های نشان‌دار مالیاتی قرار گرفته است. وی با اشاره به سهم بالای طرح‌های ورزشی گفت: در سال گذشته جذب اعتبارات در حوزه ورزش چندان مطلوب نبود اما امسال با افزایش تعداد طرح‌های این حوزه، تلاش می‌کنیم منابع بیشتری برای تکمیل پروژه‌های ورزشی استان جذب شود. مدیرکل امور مالیاتی گلستان گفت: شهرستان گرگان با ۱۰ طرح و اعتبار مورد نیاز حدود ۲۵۲ میلیارد تومان

لیلا حسین زاده- مدیرکل امور مالیاتی گلستان گفت: ۳۷ طرح استانی و ملی برای تامین مالی از محل طرح نشان‌دار کردن مالیات در سال ۱۴۰۵ انتخاب شده که برای تکمیل این طرح‌ها حدود ۷۱۰ میلیارد تومان اعتبار مورد نیاز است. قربان حاجی‌مشهدی در نشست با مدیران روابط عمومی‌های گلستان در تشریح جزئیات طرح نشان‌دار کردن مالیات اظهار کرد: بخشی از صاحبان مشاغل که میزان فروش یا درآمد آنها کمتر از ۷۲ میلیارد تومان باشد، می‌توانند مالیات خود را در قالب این طرح به پروژه‌های مشخص اختصاص دهند. وی با بیان اینکه واحدهای تولیدی مستقر در شهرک‌های صنعتی مشمول این طرح نیستند، با اشاره به اجرای این طرح در ۲ سال گذشته گفت: در این مدت حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد اعتبارات مورد نیاز پروژه‌های انتخاب‌شده از محل مالیات نشان‌دار جذب شده که به نظر می‌رسد در این زمینه ظرفیت بیشتری برای مشارکت و پیگیری وجود داشته است. حاجی‌مشهدی با بیان اینکه برخی دستگاه‌ها از جمله اداره کل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس و آموزش و پرورش در حوزه مدرسه‌سازی و همچنین فرمانداری‌های گرگان و مینودشت پیگیری مناسبی برای جذب منابع نشان‌دار مالیاتی داشتند، تأکید کرد: امسال ۳۷ طرح شامل ۲۵ طرح استانی و ۱۲ طرح ملی برای استفاده از ظرفیت مالیات نشان‌دار انتخاب شده و مجموع اعتبار مورد نیاز برای تکمیل آنها حدود ۷۱۰ میلیارد تومان است. مدیرکل امور مالیاتی گلستان تصریح کرد: در سال جاری ۱۰ طرح در حوزه آبرسانی با اعتبار مورد نیاز حدود ۱۳۳ میلیارد تومان، چهار طرح در حوزه سلامت با اعتبار ۱۳۰ میلیارد تومان، چهار طرح در حوزه راه‌سازی با اعتبار ۱۱۵ میلیارد تومان، چهار طرح در حوزه آموزش و پرورش با اعتبار حدود ۶۹ میلیارد تومان

آگهی مزایده

آموزش و پرورش منطقه آق قلا در راستای اجرای قانون مناقصات، آیین نامه معاملات دولتی و به استناد صورت‌جلسه شورای نظارت بر تعلیم و تربیت کودکان استان گلستان در نظر دارد در نوبت صبح وعصر، فضاهای مازاد مدارس شهرستان را طبق توضیحات کارشناسی رسمی دادگستری از طریق آگهی مزایده عمومی، که به صورت اعلان عمومی شده، به صورت اجاره واگذار نماید. متقاضیان می‌توانند در صورت تمایل جهت کسب اطلاعات بیشتر و دریافت اسناد و تحویل مدارک جهت شرکت در مزایده به سامانه ستاد (www.setadiran.ir) و یا اداره آموزش و پرورش شهرستان آق قلا مراجعه نمایند.

"زمان دریافت اسناد، ثبت قیمت پیشنهادی، بازگشایی و اعلام برنده مزایده"

شرکت کنندگان جهت دریافت اسناد مزایده از ساعت ۰۹:۰۰ روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۰ تا ساعت ۰۹:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۴ فرصت دارند به سامانه ستاد مراجعه نمایند.

متقاضیان محترم از ساعت ۱۰:۰۰ روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۰ تا ساعت ۰۹:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۵ فرصت دارند که قیمت پیشنهادی و مدارک مورد نیاز را در سامانه ستاد بارگذاری نمایند.

زمان اعلام برنده: روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۸ ساعت ۱۰

شناسه آگهی ۲۲۶۶۳۶۷

«

مدرسه تاب آور

از تاب آوری معلم
تا تاب آوری سازمانی

مسعود بیدل نامنی

وقتی از تاب آوری در مدرسه سخن می‌گوییم، معمولاً نخستین چیزی که به ذهن می‌رسد، آموزش مهارت‌های مقابله با استرس به دانش‌آموزان است. بی‌تردید این آموزش اهمیت دارد، اما اگر بخواهیم مسئله را عمیق‌تر ببینیم، باید یک گام به عقب برگردیم و بپرسیم: آیا می‌توان از دانش‌آموز انتظار داشت تاب‌آور باشد، در حالی که خود مدرسه از ظرفیت کافی برای تاب‌آوری برخوردار نیست؟ مدرسه نیز مانند هر نظام اجتماعی دیگری با فشار، تغییر، تعارض، بحران و محدودیت منابع روبروست. تفاوت یک مدرسه موفق با مدرسه‌ای که در برابر مشکلات آسیب‌پذیر می‌شود، لزوماً در نداشتن مشکل نیست؛ بلکه در ظرفیت آن برای مواجهه، سازگاری، حفظ کارکرد و بازسازی پس از دشواری‌ها است. از این منظر، تاب‌آوری را نباید فقط یک ویژگی شخصیتی در معلم یا دانش‌آموز دانست. مدرسه می‌تواند خود به‌عنوان یک «نظام تاب‌آور» دیده شود؛ نظامی که در آن مدیر، معلم، مشاور، دانش‌آموز، خانواده و ساختارهای حمایتی در تعامل با یکدیگر، ظرفیت مقابله با فشارها را افزایش می‌دهند. پژوهش‌های جدید نیز همین نگاه را تقویت کرده‌اند. مرور نظام‌مند سال ۲۰۲۶ درباره تاب‌آوری معلمان نشان می‌دهد که تاب‌آوری معلم سازه‌ای چندبعدی است و علاوه بر شایستگی فردی و تنظیم هیجانی، تحت تأثیر حمایت همکاران، فرهنگ مدرسه و حمایت مدیریتی قرار دارد. بنابراین، مسئله اصلی دیگر فقط این نیست که: «چگونه معلم تاب‌آور داشته باشیم؟» بلکه باید پرسید:

«چگونه مدرسه‌ای ایجاد کنیم که امکان تاب‌آور ماندن معلم و دانش‌آموز را فراهم کند؟»
تاب‌آوری سازمانی در مدرسه یعنی چه؟
تاب‌آوری سازمانی به معنای مقاومت ساده در برابر مشکلات نیست. یک سازمان تاب‌آور سازمانی است که در شرایط دشوار بتواند عملکردهای اصلی خود را حفظ کند، با شرایط جدید سازگار شود، از تجربه‌های گذشته بیاموزد و پس از بحران، خود را بازسازی کند.
در مدرسه، این مفهوم می‌تواند شامل چند ظرفیت اساسی باشد:

– توانایی مدیریت بحران؛
– حفظ ارتباطات انسانی در شرایط فشار؛
– حمایت از کارکنان؛
– انعطاف‌پذیری در حل مسائل؛
– یادگیری از تجربه‌ها؛
– مشارکت دادن کارکنان در تصمیم‌گیری؛
– حفظ هدف و مأموریت اصلی مدرسه؛
– و مهم‌تر از همه، ایجاد احساس تعلق و امنیت در میان اعضای مدرسه.
بنابراین، مدرسه تاب‌آور الزاماً مدرسه‌ای بدون مشکل نیست؛ بلکه مدرسه‌ای است که در مواجهه با مشکل از هم‌نمی‌پاشد.

چرا تاب‌آوری معلم، نقطه آغاز مهمی است؟
معلم در خط مقدم نظام آموزشی قرار دارد. بسیاری از سیاست‌ها، برنامه‌ها و اهداف آموزش و پرورش در نهایت در کلاس درس و از طریق معلم به اجرا درمی‌آیند. اما حرفه معلمی با فشارهای متعددی همراه است؛ از مدیریت رفتار دانش‌آموزان و تفاوت‌های فردی آنان گرفته تا حجم کار، مسئولیت‌های اداری، ارتباط با والدین و مواجهه با مسائل اجتماعی و روان‌شناختی دانش‌آموزان. یک مرور نظام‌مند در سال ۲۰۲۴، با بررسی ۵۴ مطالعه درباره تاب‌آوری معلمان، از منظر مدل «تقاضا – منابع شغلی» نشان داد که منابع موجود در محیط کار اهمیت قابل توجهی در تاب‌آوری معلمان دارند. این منابع می‌توانند شامل حمایت اجتماعی، منابع سازمانی و حمایت حرفه‌ای باشند.
در نتیجه، تاب‌آوری معلم را نباید چنین تعریف کرد: «معلم باید مشکلات را تحمل کند.»

تعریف دقیق‌تر این است:
«معلم باید در کنار برخورداری از منابع فردی، در محیطی فعالیت کند که منابع لازم برای سازگاری، حمایت و بازسازی روان‌شناختی و حرفه‌ای را در اختیار او قرار دهد.»

این تفاوت، از نظر آموزشی بسیار مهم است. مدیر مدرسه؛ معمار تاب‌آوری سازمانی
اگر معلم را یکی از مهم‌ترین عوامل تاب‌آوری مدرسه بدانیم، مدیر مدرسه نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد شرایط این تاب‌آوری دارد.
مدیر می‌تواند مدرسه را به محیطی تبدیل کند که در آن معلمان در هنگام مشکل احساس کنند تنها نیستند؛ یا برعکس، محیطی ایجاد کند که هر فرد احساس کند باید مشکلات خود را به تنهایی تحمل کند.

راهبری حمایتگر می‌تواند از طریق رفتارهایی مانند:

– شنیدن مشکلات معلمان؛
– مشارکت دادن آنان در تصمیم‌ها؛
– ارائه بازخورد سازنده؛
– قدردانی از تلاش‌ها؛
– ایجاد عدالت در تقسیم مسئولیت‌ها؛
– حمایت در شرایط بحرانی
– و تقویت همکاری میان کارکنان
ظرفیت تاب‌آوری مدرسه را افزایش دهد.
در این نگاه، مدیر مدرسه صرفاً «مدیر امور» نیست؛ بلکه تاحد زیادی مدیر اقلیم روان‌شناختی مدرسه نیز هست.
فرهنگ مدرسه؛ چیزی فراتر از آیین‌نامه‌ها
ممکن است دو مدرسه از نظر امکانات، مقررات و حتی تعداد کارکنان مشابه باشند، اما فضای روانی کاملاً متفاوتی داشته باشند.

در یک مدرسه ممکن است معلمان بتوانند آزادانه درباره مشکلات صحبت کنند، از یکدیگر کمک بگیرند و تجربه‌های خود را به اشتراک بگذارند. در مدرسه‌ای دیگر، ترس از قضاوت یا سرزنش باعث شود افراد مشکلات خود را پنهان کنند.

تفاوت این دو مدرسه را می‌توان در مفهوم فرهنگ سازمانی جست‌وجو کرد. فرهنگ حمایت، اعتماد و همکاری، یک منبع مهم برای تاب‌آوری است؛ زیرا فرد در شرایط فشار احساس نمی‌کند که مجبور است همه بار مشکلات را به تنهایی تحمل کند. از این منظر، گاهی یک گفت‌وگوی صمیمانه میان دو همکار، یک جلسه هم‌اندیشی یا حمایت به‌موقع مدیر می‌تواند بیش از یک دوره آموزشی رسمی، به حفظ تاب‌آوری کارکنان کمک کند.

رابطه معلم و دانش‌آموز؛ قلب مدرسه تاب‌آور
مدرسه در نهایت در کلاس درس معنا پیدا می‌کند و مهم‌ترین رابطه در این فضا، رابطه میان معلم و دانش‌آموز است. شواهد پژوهشی در این زمینه بسیار قابل توجه است. یک مرور نظام‌مند و فراتحلیل مرتبه دوم در سال ۲۰۲۵، ۲۶۶ فراتحلیل و ۱۱۹ اندازه‌اثر را که مجموعاً حدود ۲.۶۴ میلیون دانش‌آموز را در بر می‌گرفت، بررسی کرد. نتایج نشان داد روابط معلم – دانش‌آموز با طیف گسترده‌ای از پیامدهای دانش‌آموزان، از جمله پیشرفت تحصیلی، انگیزش، خودکنترلی، رفتار، احساس تعلق و مشارکت مدرسه و بهزیستی روان‌شناختی ارتباط دارد.

این یافته اهمیت یک نکته را نشان می‌دهد: رابطه خوب معلم و دانش‌آموز یک موضوع حاشیه‌ای در آموزش نیست؛ بخشی از فرایند اصلی یادگیری است. دانش‌آموزی که احساس می‌کند دیده می‌شود، شنیده می‌شود و معلم او

را صرفاً بر اساس نمره ارزیابی نمی‌کند، آمادگی بیشتری برای مشارکت، پرسشگری و مواجهه با دشواری‌های یادگیری خواهد داشت.
رابطه مثبت، فقط به نفع دانش‌آموز نیست
یک مرور نظام‌مند منتشرشده در سال ۲۰۲۶ شامل ۵۵ مطالعه، نشان داده است که روابط مثبت معلم – دانش‌آموز با ابعاد مختلف بهزیستی معلم، از جمله هیجان مثبت، درگیری شغلی، معنا و احساس موفقیت، ارتباط دارد. در مقابل، روابط منفی و تعارض‌آمیز با فشار روانی و فرسودگی بیشتر همراه بوده‌اند.
بنابراین یک رابطه سالم می‌تواند نوعی چرخه مثبت ایجاد کند:

معلم بهزیستی بیشتری دارد → رابطه بهتری با دانش‌آموز برقرار می‌کند → دانش‌آموز مشارکت بیشتری نشان می‌دهد → معلم احساس اثربخشی بیشتری می‌کند → بهزیستی معلم تقویت می‌شود.
البته این رابطه یک‌طرفه نیست و عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی نیز بر آن تأثیر می‌گذارند.

فرسودگی معلم؛ زنگ خطر برای مدرسه
مرور نظام‌مند پژوهش‌های مربوط به این موضوع نشان داده است که فرسودگی معلم با برخی پیامدهای نامطلوب برای دانش‌آموزان، از جمله پیشرفت تحصیلی ضعیف‌تر و کیفیت پایین‌تر انگیزش، ارتباط دارد. این مرور ۱۴ مطالعه با مشارکت بیش از ۵۳۰۰ معلم و بیش از ۵۰ هزار دانش‌آموز را بررسی کرده بود. با این حال، پژوهشگران بر محدودیت شواهد و نیاز به مطالعات طولی و دقیق‌تر نیز تأکید کرده‌اند.
پس فرسودگی معلم را نباید صرفاً مسئله‌ای شخصی تلقی کرد. وقتی یک معلم به‌طور مستمر خسته، بی‌انگیزه یا فرسوده است، مسئله فقط کاهش کیفیت زندگی یا شغلی او نیست؛ بلکه ممکن است بر کیفیت تعامل با دانش‌آموز و فرایند یاددهی – یادگیری نیز اثر بگذارد.
مدرسه تاب‌آور چگونه ساخته می‌شود؟

بر اساس مجموعه شواهد موجود می‌توان برای مدرسه تاب‌آور چند ویژگی اساسی در نظر گرفت:
۱. مدیریت حمایتگر
مدیر باید در کنار مدیریت وظایف، مراقب سرمایه انسانی مدرسه نیز باشد.
۲. اعتماد سازمانی

معلم باید بتواند درباره یک مشکل بدون ترس از برچسب خوردن یا سرزنش شدن صحبت کند.
۳. همکاری حرفه‌ای
تجربه یک معلم نباید فقط متعلق به خودش باشد. مدرسه تاب‌آور از تجربه‌های کارکنان برای یادگیری جمعی استفاده می‌کند.

۴. امنیت روانی
اشتباه باید فرصت یادگیری باشد، نه صرفاً ابزاری برای سرزنش.

۵. حمایت از معلم
برنامه‌های ارتقای سلامت روان نباید فقط برای دانش‌آموزان طراحی شوند. معلم نیز به حمایت حرفه‌ای و روان‌شناختی نیاز دارد.

۶. رابطه انسانی با دانش‌آموز
اقتدار معلم و رابطه عاطفی با دانش‌آموز در تضاد نیستند. مدرسه موفق میان اقتدار، احترام و ارتباط انسانی تعادل ایجاد می‌کند.

۷. یادگیری از بحران
هر بحران مدرسه باید به فرصتی برای یادگیری تبدیل شود: چه اتفاقی افتاد؟ چرا اتفاق افتاد؟ چه چیزی یاد گرفتیم؟
این چهار سؤال می‌تواند بخشی از فرهنگ سازمانی مدرسه شود.

یک مدل پیشنهادی برای «مدرسه تاب‌آور»
با جمع‌بندی شواهد پژوهشی و با توجه به ویژگی‌های مدرسه، می‌توان یک مدل مفهومی پنج‌سطحی پیشنهاد کرد:

سطح اول: منابع سازمانی
رهبری حمایتگر + عدالت + مشارکت + حمایت حرفه‌ای
↓
سطح دوم: سرمایه انسانی
تاب‌آوری + خودکارآمدی + بهزیستی معلم
↓
سطح سوم: روابط مدرسه

اعتماد + همکاری + رابطه مثبت معلم – دانش‌آموز
↓
سطح چهارم: اقلیم مدرسه
امنیت روانی + تعلق + مشارکت + احساس ارزشمندی
↓

سطح پنجم: پیامدهای دانش‌آموزی
انگیزش + خودکارآمدی + سازگاری + تاب‌آوری تحصیلی و روان‌شناختی
این مدل یک نکته مهم را برجسته می‌کند:
تاب‌آوری دانش‌آموز، محصول یک اقدام منفرد نیست؛ نتیجه عملکرد هماهنگ یک نظام آموزشی و تربیتی است. نقش مشاور و معاون پرورشی در مدرسه تاب‌آور در این میان، نقش مشاور و نیروهای حوزه تربیتی و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. اگر مدرسه را یک نظام تاب‌آور بدانیم، مشاور نباید فقط زمانی وارد عمل شود که دانش‌آموز دچار مشکل شده است. بخشی از مأموریت او می‌تواند تقویت ظرفیت تاب‌آوری کل مدرسه باشد.

برای مثال:
– شناسایی عوامل فشارزا در محیط مدرسه؛
– کمک به معلمان در مدیریت موقعیت‌های دشوار؛
– آموزش مهارت‌های تنظیم هیجان؛
– ایجاد گروه‌های همیار؛
– مداخله زودهنگام در دانش‌آموزان در معرض خطر؛
– تقویت ارتباط مدرسه و خانواده؛
– و کمک به مدیر در تحلیل اقلیم روانی مدرسه
می‌تواند بخشی از این نقش باشد.
به این ترتیب، مشاور از یک «مداخله‌گر پس از وقوع مشکل» به یک عضو فعال در نظام پیشگیری و ارتقای تاب‌آوری مدرسه تبدیل می‌شود.

از مدرسه مقاوم تا مدرسه یادگیرنده
شاید مهم‌ترین تفاوت مدرسه تاب‌آور با مدرسه صرفاً مقاوم در این باشد که مدرسه تاب‌آور فقط مشکلات را پشت سر نمی‌گذارد؛ بلکه از آنها یاد می‌گیرد.
اگر یک تعارض بین دانش‌آموزان اتفاق افتاد، مدرسه فقط به دنبال پیدا کردن مقصر نباشد؛ بلکه از خود بپرسد: چه چیزی در ساختار یا روابط مدرسه نیازمند اصلاح است؟

اگر معلمان فرسوده شده‌اند، فقط به آنان توصیه نکنیم که «صبورتر باشند»؛ بلکه بپرسیم:
چه عواملی در محیط کار باعث فرسودگی شده است؟
اگر دانش‌آموزان انگیزه تحصیلی ندارند، فقط از آنان بخواهیم «بیشتر تلاش کنند»؛ بلکه بررسی کنیم: آیا مدرسه توانسته است احساس تعلق، معنا و خودکارآمدی را در آنان ایجاد کند؟
این تغییر نگاه، همان چیزی است که مدرسه را از یک سازمان صرفاً اداری به یک سازمان یادگیرنده و تاب‌آور تبدیل می‌کند.

سخن پایانی
تاب‌آوری مدرسه با یک کارگاه آموزشی آغاز نمی‌شود و با یک سخننامه نیز ایجاد نخواهد شد.
تاب‌آوری مدرسه از رابطه‌ها آغاز می‌شود؛ از رابطه مدیر با معلم، معلم با معلم، معلم با دانش‌آموز و مدرسه با خانواده.

مدرسه‌ای که در آن افراد احساس کنند دیده می‌شوند، صدایشان شنیده می‌شود، اشتباه کردن پایان اعتبارشان نیست و در شرایط دشوار تنها نمی‌مانند، ظرفیت بیشتری برای عبور از بحران خواهد داشت.
بنابراین اگر هدف آموزش و پرورش، پرورش نسلی تاب‌آور است، باید نگاه خود را از «آموزش تاب‌آوری به دانش‌آموز» به سمت «ساختن محیط‌های تاب‌آور» گسترش دهد.

در چنین نگاهی، معلم فقط آموزش‌دهنده تاب‌آوری نیست؛ خود یکی از مهم‌ترین عوامل آن است.
و مدرسه فقط محل آموزش تاب‌آوری نیست؛ خود باید نمونه‌ای زنده از تاب‌آوری باشد.

جمع‌بندی در یک جمله
دانش‌آموز تاب‌آور در مدرسه‌ای شکل می‌گیرد که معلم آن امکان تاب‌آور ماندن، مدیر آن توانایی حمایت کردن و فرهنگ آن ظرفیت یادگیری از دشواری‌ها را داشته باشد.

روان شناس

این هفته هم آثار کارگاه آموزشی با موضوع «صبحانه» را می خوانیم. موضوع بعدی: «یک جای خالی!» لازم نیست جای خالی حتما با «مرگ»، «قهر»، «سفر»، یا «بیماری» باشد.

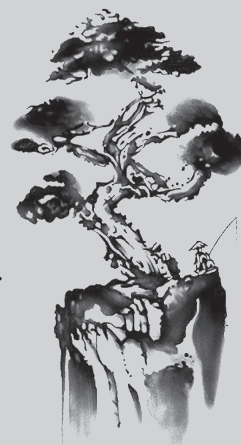
صندلی خالی در کلاس، نیمکتی در پارک، جای خالی کنار میز و سفره، یا حتی جای کسی در عکس خانوادگی باشد. به «موضوع» فکر کنید و «وقعیت» را در نظر بگیرید. «پرسش» هایی بنویسید. «شخصیت» ها را انتخاب کنید. و مهم تر از همه یک «اتفاق» را در داستان خود مطرح کنید. اگر تازه کار هستید، می توانید از خاطره نویسی و دلدنوشته شروع کنید. اما داستان لزوما درباره یک موضوع نیست: درباره «اتفاقی» است که برای کسی رخ می دهد. چشم به راه آثارتان هستیم.



آزاده حسینی

یادداشت

دیر صفحه

زینب اسدی
صبحانه در مدرسه

صبح زود که میرویم مدرسه معمولا حس و حال صبحانه خوردن نداریم. چون بیشتر اوقات صبح ها ساعت شش و سی صبح بیدار میشویم و تا کتاب هایمان را جمع کنیم، تقریبا ساعت هفت میشود و تالیاس بپوشیم، میشود هفت و سی و این اصلا خوب نیست. چون ما باید ساعت هشت در مدرسه باشیم. پس تند تند چند لقمه کوچولو میخوریم و راه می افتیم سمت مدرسه. مادرم همیشه می گوید: یک آدم سالم باید صبحانه اش را کامل بخورد. من معمولا ساندویچ هایی مثل پنیر و گردو، پنیر و سبزی، همبرگرهای خانگی و یا سیب و خوراکی هایی مثل شیرینی، آبیوه می برم. اما دوستانم در مدرسه همیشه گرسنه اند و خوراکی هایی مثل ترشک و لواشک می خورند.

آرین زنگی
فقط نیمروی خودم

اصل صبحانه نمیرو! اونم نمیروی خودم که انگشتانت هم می خوری. من برای خودم، آبچیم و مامانم و بابام غذا درست می کنم. اثر صبحانه آدم را سر حال می کند تا برای بازی آماده باشی وقتی صبح صبحانه میخوری مغزت راحت تر کار می کنه!

سیده نیکا موسوی
صبحانه ای با طعم محبت

صبح از خواب بلند شدم دست و صورتم رو که شستم نگاهی به اتاق مادرم انداختم، اما خالی بود. با خودم گفتم احتمالا با دوستش برای پیاده روی قرار داشته. ولی حوصله نداشتم که به او زنگ بزنم تا از او سوال کنم. به طرف آشپزخانه رفتم یه سینی برداشتم کمی نان روی آن گذاشتم در یخچال را باز کردم شیشه مریای آلبالو را دیدم که در ته آن مقداری مریا باقی مانده بود. بهو چشمم به شیشه نوتلا افتاد تنها چیزی که صبحانه با اشتهای میخورم. البته همراه با غرهای مادرم به محض اینکه می خواستم شیشه نوتلا را بردارم صدای در را شنیدم. بله مادرم بود. آهی کشیدم. چون فکر کردم بهترین موقع است نوتلا رو با آرامش بخورم. بیخیال نوتلا شدم. به سمت مادر رفتم بعد از سلام کردن از او پرسیدم: «این موقع صبح کجا بودی؟» مادر در حال در آوردن روسری گفت: «رفته بودم خواهرت را مدرسه ثبت نام کنم». سپس پرسید: «آیلین مامان! صبحانه خورده ای؟» گفتم: «داشتم سفره صبحانه رو آماده میکردم». مامان با تعجب گفت: «پس روی میز رو نگاه نکردی من صبحانه گذاشته بودم و

بهار جام خورشید
صبحانه ای خوشمزه

با صدای آلارم گوشیم از خواب نازم پریدم هوا آنقدر سرد بود که حال میداد فقط زیر پتو باشی و مثل خرس بخوابی همین طور که دراز کشیده بودم از پنجره اتاقم بیرون رو نگاه کردم بازم که داره باران میاد. وجدان: «دختر مگه میشه زمستان باشه و باران نیا؟؟! من: «خوب چیکار کنم خسته شدم!» با کلی مکافات از تخت بلند شدم یک راست رفتم دستشویی دست و صورتمو شستم و به سمت آشپزخونه رفتم. با دیدن و مامانم، بابام و داداشم که روی صندلی دور میز نشستن، خوشحال شدم. وجدان نمیدونی چقدر دلم برای همین روزی تنگ شده بود که چهارتایی بشینیم دور میز و صبحانه بخوریم. نمیدونم چرا اما من صبحانه خوردن رو خیلی دوست ندارم. چون تو اون زمان هر کی تند تند صبحانه اش رو میخوره و میره. اما حالا همه نشستن و دارن با لذت تمام صبحانه شونو میخورن. وجدان: «منو یادت رفتا منم هستما!» چیه هی چهار تایی چهار تایی میکنی؟!؟! من: «تو که تاج سری! خوب پس بریم پنج تایی صبحانه بخوریم». روی صندلی نشستم و گفتم: «چه عجب همه اینجان!» داداشم نون برداشت و گفت: «چون که امروز جمعه هست» و همه زدن زیر خنده؛ منم با اعصابانیت گفتم: «آیا در چهره من شوخی مبینی؟ مگه من با تو شوخی دارم بی نمک!»

مامانم دستی زد رو شونم و گفت: «با بزرگتر درست صحبت کن بعدش امروز جمعه هست عزیز دلم!» من که کاملا گیج شده بودم. صبحانه کوفتم شد. آخه الان چه وقت نمک ریختن بود. داشتم خوش می گذورندم از اینکه دور هم داریم صبحانه می خوریم. پس بلند شدم و رفتم تو اتاقم از اینکه کسی به من نگفت: «کجا؟! ناراحت شدم دوست داشتم فقط امروز جمعه نباشه چون داداشم و... گوشیمو گرفتم تقویمو نگاه کردم از شناس بدی که دارم امروز جمعه بود اما چرا من نمیدونستم از بس سرم شلوغ، فراموشی گرفتم. وجدان: «آره جان خودت از بس میخوابی درسم نمیخونی که مثلا مدرسه میری!» من: «حالا نمیگفتی نیمردی که آبرو منو جلو بچه ها بردی! وای دوست داشتم برگردم تو آشپزخونه

دوباره صبحانه بخوریم. چقدر میچسبه صبحانه خوردن کنار خانواده مخصوصا اون پیزی که دستی درست میشه و شیر گرم که تو زمستان همراه با یکم عسل! وایی دلم خواست وجدان میدونی یاد چی افتادم؟! وجدان: «یاد چی؟!»

من: «خونه مادر بزرگم. یادته سال قبل زمستان رفته بودم خونشون مادر بزرگم چی درست کرده صبحانه؟!» وجدان: «آره، سوپ، چون تو سرما خورده بودی» من: «آره وایی من بازم از اونا میخوام. می خوام برگردم به همون زمان حتی مادر بزرگم نداشت برم مدرسه، اما خیلی خوش گذشت. چه روزایی بود!» وجدان: «آره!» (صدای خمیازه من): «دیگه برم ادامه خوابم چون مدرسه هم که ندارم الانم حال میده فقط بخوابم». (صدای در): «بفرما!» مامانم درو باز کرد و گفت بیا پایین صبحانه بخور برات فرنی درست کردم. من پوفی کلافه کشیدم و گفتم: «بابایی و داداشی رفتن؟! مامانم عینکشو بالا و پایین کرد و گفت: «نه هستن. کجا برن روز جمعه؟! بیا پایین مادر بزرگ و پدر بزرگم اینجا هستن منتظر تما!» و بعد رفت. از روی تخت بلند شدم و گفتم: «آخ جون مادر بزرگ»

الیه طبیب
اهمیت صبحانه

صبحونه یا صبحانه یه وعده غذایی که خیلیا قبل طلوع خورشید، بعضیا بعد طلوع و بعضیا لنگ ظهر که از خواب پا میشن، میخورن. غذای ثابتی برای صبحانه تعریف نشده، مربا، کره، پنیر، عسل، کله پاچه، برنج، حلیم، خیار و گوجه، تخم مرغ آبپز، نیمرو، املت، اینا بیشتر مصرف میشن. حالا جدیدا بعضیا که خیلی به تغذیه شون اهمیت میدن میوه مثل آوآکادو و موز و غیره اضافه کردن بهش. اینکه خوردنش خیلی مهمه نمیدونم. اینو میدونم که هر زمان حس کردی واقعا گششته یه چیزی باید بخوری. از وقتی که یادمه بابایی من صبح زود پا میشد سماور روشن میکرد و میرفت نون داغ میگرفت و مامانم چایی دم میکرد و سفره پهن. ولی من نمیتونستم واقعا هفت صبح چیزی بخورم بجز یک لیوان چای یا آب جوش. همیشه خوردن صبحانه برام آزار دهنده بود. وقتی میخوردم بهو حس دلشوره میگرفتم، انگار رو دلم چیزی سنگینی میکرد. ولی داداشم، جاتون خالی چنان مفصل میخورد که من باید دائما صدا میزدم بسه تو رو خدا، پاشو آماده شو سرویس اومد. تو شهرک ما چون تعداد دختر و پسر زیاد بود خانواده ها یه مینی بوس گرفته بودن بعنوان سرویس تا ما رو به مدرسه ببره، تعداد پسر ها کمتر بود، من همیشه باید خواهرش میکردم میگفتم آقا میر علی میشه یه کوچولو دیگه صبر کنیید داداشم بیاد. خب بس کن خوردنو، نمیدونم چرا اینقدر میخورد. هر روز صبح ساعت شش و سی بیدار میشیدم و هفت سرویس میومد من این بساط رو با داداشم داشتم. هنوزم هر تایمی از خوابش پاشه اول صبحانه بعد بقول خودش وعده اصلی. کم کم بزرگتر شدم باز هم علاقه به صبحانه نداشتم. ولی یه وقتی ساعت

کره و مربا ریخت آن را خورد و به مادر گفت: «ترکیب کره و مربا ترکیب خیلی خوبی اونم وقتی باران نیاد!» مادر: «خواهش می‌کنم رویا جان بله ترکیب صبحانه با باران ترکیب خیلی خوبی هستش!»



سیدہ زہرا علوی نژاد
صبحانہ

مهتاب از خواب بیدار شد. به ساعت نگاه می کند که هفت صبح را نشان می دهد. با عجله فرم مدرسه را می پوشد و راه می افتد. در زنگ اول حالتی بین خواب و بیداری داشت. زنگ تفریح که خورد، خواست به سمت بوفه مدرسه برود که ناگهان تنه شخصی به او خورد. با کلافگی به آن فرد نگاه کرد و گفت: «جلوتو نمی بینی مگه؟» دختر دیگر سرش را پایین انداخت و معذرت خواهی کرد. مهتاب چشم غره ای به او داد و به سمت بوفه رفت. ساندویچی از بوفه خرید و مشغول خوردن شد. زنگ دوم، مهتاب با حوصله به حرف های دبیر گوش می داد و همه جزئیات را در جزوه یادداشت می کرد. نمی دانست چرا همیشه در زنگ دوم انرژی دارد اما زنگ اول کلافه است. اما خوب، انرژی که از زنگ دوم شروع شود از این که همیشه بی انرژی باشد بهتر است.



آتريسا فغانی

با صدای زنگ ساعتیم بیدار شدم. به سمت اتاق مادرم رفتم ولی کسی در خانه نبود. گویشیم رو برداشتم تا زنگ بزنم که یهو... صدای در آمد. به سوی در رفتم. در را باز کردم و دیدم مادر به خانه برگشته بعد از سلام از مادرم پرسیدم که کجا رفته بود. مادرم گفت: «برای نرمش صبحگاهی به پیاده روی رفتم». - «آتر یسا تو صبحانه خورده ای؟» - «آخه مادر جان من که هیچ وقت صبحانه نمیخورم!» مادرم گفت: «حوب است که هنوز چیزی نخورده ای برو و آماده شو میخواهیم صبحانه را در جنگل بخوریم. با تعجب به سمت اتاقم رفتم لباس پوشیدم و سوام ماشین شدم.» کمی بعد... حصیر را پهن کردیم و در جنگل ساکن شدیم. خیلی لذت بخش بود نسیم ملایمی به سویم می وزید، آب باران نرم نرم بر صورت می چکید و مه غلیظی جنگل را در بر گرفته بود. جای را برداشتم و شروع به نوشتن کردم. آاه خیلی لذت بخش بود که در آن هوای سرد، جای داغ بنوشی.



پارسائی
طعم صبح

اواخر شهریورماه، به ییلاق رفته بودم. موقع برداشت برنج از شالی زارها بود. مردان در مزارع شالی مشغول برداشت بودند. اما زنان در همان نزدیکی مزارع، لایه لای بوت های خشن تمشک در حال چیدن تمشکهای خوش رنگ و خوشمزه بودند. من تمام سعی و تلاشم رو میکردم که تا حدودی از این تمشک های خوشمزه رو جمع کنم ولی هرچه تلاش میکردم نمیشد. بعد از چیدن و رسوندن سطل تمشک به خونه که خودش کار سخت تری بود؛ سریع اونو تبدیل به مربا کردن. فردا صبح که برای صبحانه نزدیک سفره میشدم طعم خاصی به شام میرسید. بوی خاص مربای تمشک و نان محلی و کره، دیگر صبری برابم نگذاشته بود.

دختر کوچک دستش را به سوی گردو برد اما مادر با فافلاسه گفت: «سرین! صبر کن همه روی سفره جمع بشیم!» چند لحظه بعد، همگی دور سفره نشسته بودند و سرین، همان گردویی که طلب کرده بود را در دستانش گرفت. خورشید خندید و به قاره دیگری رسید. در بسیاری از صبح های مصر، فول مدّس، نان و چای بخشی جدانشدنی از سفره اند. غذایی ساده و سیرکننده که می تواند آدم را برای یک روز طولانی آماده کند! خورشید ما، این بار بر بام آسمان خراش های نیویورک نشست و نظاره گر شد. در نیویورک، صبح آن روز با صدای زنگ تلفن و کوبیده شدن در اتاق شروع شد. «اوای چی تو هنوز خوابی؟» «ماما!!! فقط پنج دقیقه دیگه...!» «پنج دقیقه تو یعنی بیست دقیقه چی؟! دختر، گنگاهی به مادرش انداخت: «اما امروز که امتحان ندارم!» مادر ابروئی بالا برد و ادامه داد: «ولی مدرسه که داری!» او چی در عرض چند دقیقه، با کوله ای روی یک شانه و تکه ای نان تست در دست، از خانه بیرون رفت. صبحانه اش را قرار بود در مدرسه، با دوستش مکس بخورد؛ مثل خیلی از روزهای شلوغی که فرصت نشستن دور میز خانه را پیدا نمی کرد! وقتی به مدرسه رسید، دوستش مکس کنار میز نشسته بود. یک لیوان شیر و یک بیگل جلوش بود. مکس گوشی اش را جلو آورد: «ای رو دیدی؟» چی کوله پشتی اش را روی میز گذاشت: «وای نه! خب خواب بودم!» «اااااورت نمیشه چه بازی ای بوددد!» چی بیگلش را برداشت و با آهی گفت: «وای نگو دوباره قراره درباره جام جهانی صحبت کنیم!» مکس خندید. «معلومه که قراره حرف بزنینم! شرط که یادادت نرفته دخترر؟» چی مکس کرد: «هنوزم سر اسپانیا و فرانسه؟» «من که گفتم فرانسه میره فینال!» «او- منم، اسپانیا!» مکس دستش را جلو آورد: «پس پای شرط هستی؟» چی دستش را فشرد. «صد درصد!» و خورشید به این اندیشید که در این شهر بزرگ، بعضی صبح ها نه پشت میز خانه، بلکه کنار دوستان، در راهروهای مدرسه و میان بحث درباره فوتبال و یک بیگل ساده آغاز می شوند! اما چیزی که خورشید از آن بالا تماشا می کرد، فقط درباره غذاها نبود! می دید که پشت هر سفره صبحانه، یک خانواده نشسته است! مادری که اصرار دارد لقمه آخر خورده شود، پدري که جای می ریزد و پیرزنی که دلش می خواهد صبحانه کمی بیشتر طول بکشد! شاید برای همین، خورشید آن روز، کمی بیشتر چشمش به پنجره ها ماند! زیرا برادرک کرده بود صبحانه فقط اولین وعده غذایی روز نیست! بلکه جایی است که آدم ها، پیش از آنکه دنیا را ببینند، یکدیگر را می بینند.



سارا عابدی فر

صبحانه یکی از وعده های مهم روز است. من بیشتر وقت ها صبحانه میخورم چون بعد از خواب باعث میشه انرژی بگیرم. معمولا برای صبحانه مربا و کره یا تخم مرغ میخورم و گاهی هم شیر کائو و کیک. به نظر من صبحانه خوردن باعث میشه توی مدرسه حواسم بیشتر جمع باشه و زود خسته نشم. بعضی وقت ها هم اگه دیر بیدار بشم، صبحانه نمیخورم ولی بعدش خیلی زود گرسنه میشم. به همین دلیل بهتره صبح ها کمی زودتر بیدار بشیم و برای خوردن صبحانه وقت بذاریم چون صبحانه باعث خوش اخلاقی هم میشه.



زهرا مازندرانی مربای بارانی

یاران آرام می آمد. رویا لباس صورتی اش را پوشید و روی صندلی چوبی نشست. مادر با یک سینی آمد روی آن سینی کره و مربای توت فرنگی بود. مادر سینی را روی میز گذاشت. رویا نون را با چاقوی مخصوص برید. روش

صبحونه نخورده!» - «نیلی، نیلی، کمکش کنبم بیریمش تو آلاچیق!» - «چی شده دخترتم؟!» - «هیچی خانم معلم یکم سرم گیج رفته!» - «ببینم صحنه خوردی؟» - «انه، میل نداشتم، مامانم برام غذاهم گذاشت، ولی نخوردم.» - «نیلی، ما باید صبحانمون رو کامل بخوریم؛ که مثل الان غش نکنیم، سیلف، لیس این ماهی چقدر بزرگه! بیاید کبابش کنبم بخوریم، زود باشید همه کمک کنید!» - «باشه!» - «هم ماهی خوشمزه بود. هم سفر خوش گذشت. ممنون که ما رو آوردید اردو! خداحافظ!»

معلم: «امیدوارم این آخرین غش مدرسه به خاطر صبحونه نخوردن باشه!» صدای خنده همه بچه ها با موج دریا اوج می گرفت. - «بچه ها سوار اتوبوس شین!»



فاطماعقیلی
بیش از اینکه دنیا را ببینیم!

سپیده، نخستین ذرات نور را بر شانه های شب پاشید و افق،
در آغوش تابنده خورشید، از تاریکی رها شد! همزمان با
طلوع، آسمان خراش ها بیشتر به چشم آمدند و گنجشکان
گویای سرود زندگی را آغاز نمودند. حال خورشید بر لبه بام
جهان، نظاره گر صبح است. این سو مردمانی کلافه که بیزار
از رفتن به محل کار خود هستند و صبحانه شان را نیمه کاره
می گذارند و آن سو کودکانی که با شوق تکه کوچکی نان
از روی میز بر میدارند. اما خورشید ما یک چیز را خوب
می دانست! آن هم اینکه در هر گوشه این کره خاکی، صبح
به شکل متفاوتی آغاز می شود. ابتدا چشمانش را به سوی
انگلستان روانه کرد؛ مرد جوان با یک دست کرواتش را
مرتب می کرد و با دست دیگر نان تستش را درون دهانش
می انداخت: - استلا! کت من کجاست؟
+ فکر میکنم دیشب روی صندلی گذاشته بودیش! حالا
بیا برای صبحونه

مرد، در هیاهوی جمع کردن وساییش بود؛ نگاهی گذرا به ساعت مچی اش انداخت: «اوه دقیقاً روز ارائه، زمان باهام لیج کرده!» -پس بیا یک به تیکه نو رو رو با خودت ببر! صبح انگلیسی ها معمولاً با یک فنجان چای، نان تست، مربا و گاهی صبحانه‌ای مفصل تر شروع می‌شد؛ اما عجله، حتی در کشوری که جای جایگاه و یژه‌ای داشت، گاهی از همه چیز جلو می‌زد! خورشید قری به کمرش داد و نورش را به اسپانیا نشانه برد. آنجا انکار برای صبح عجله ای وجود نداشت! کافه ای کوچک گویی به تازگی کرکره اش را بالا داده بود؛ دختری پشت پیشخوان در حال برشته کردن نان بود و کمی روغن زیتون رویش می ریخت. پیرزنی که هر روز روی همان صندلی کنار پنجره می نشست با متانت گفت: «امروز زیاد برشته اش کردی» دختر جوان با لیخندی ملیح پاسخ داد: «هر روز همین رو میگی!» -چون هر روز زیاد برشته اش میکنی! «پیرزن نگاهی به خورشید انداخت. صبحانه برای او فقط خوردن نبود؛ فرصتی بود برای نشستن، حرف زدن و تماشای شهری که تازه داشت بیدار می شد. سپس خورشید، زمین را چون توپی سبک چرخاند و به آسیا آمد و ستول را مقصد خود انتخاب نمود. نورش را از تار و پود پرده گلراند. چند لحظه بعد، پسرک با موهای نامرتب سر میز نشست. بیخار سوپ قابل مشاهده بود و برنج تازه دم کنار ظرف های کوچک کیمچی، سبزیجات و تخم مرغ قرار داشت. پسرک ذره ای از سوپ را درون دهانش مزه مزه کرد: «امان این سوپ رو خودت درست کردی؟!»، «معلومه!» - «اوه این واقعا خوشمزمست» مادر ابرویی بالا انداخت: «یعنی روزهای قبل خوب نبود؟» پسر کوچک سریعاً گفت: «السم چی نه! یعنی... امروز خیلی خوبه!» پدر خندید و سرش را تکان داد؛ صبحانه برای این خانواده فقط شروع یک روز کاری نبود! چند دقیقه ای بود که همه، پیش از آنکه راهی مدرسه و محل کار شوند، دور یک میز می نشستند و با همان غذاهای متنوع، روزشان را کنار هم آغاز می کردند. خورشید از روی ماه با گذشت و به ایران رسید. ریه های نداشته اش پر شد از بوی نان تازه و گوش هایش به نوای آواز گنجشکان نوازش شد. مادر بزرگ سفره را پهن کرده بود؛ پنیر، گردو، خیاب و گوچه کنار استکان های چای خودنمای می کردند.

چهار یا پنج صبح خیلی دوست داشتم برنج از شب قبل اونم اگه سبزی پلو بود یا قورمه سبزی رو گرم کنم و بخورم. واقعا دوست داشتم صبحانه همیشه به غذای گرم باشه حس خوبی آدم سر صبح میگرفت. قشنگی صبحانه به اینکه صبح همه که بیدار میشن دور سفره جمعند و برنامه ها و قرار روزانشون بهم میگن. اصولا نوجوانا و جونا زیاد اهل صبحونه نیستن، من خودم وقتی با دوستانم جمع میشدیم تا صبح بیدار بودیم دم صبح به املت مشتی میزدیم اونم اگه آتنا درست میکرد وای خیلی خوشمزه بود. یا وقتی صبح زود میرفتیم جنگل تو اون هوای پاک اونم ساعت پنج صبح خیلی میچسبید یا زمانی که مهمون میومد خونمون، دور هم بودیم خیلی صفا داشت. الانم که وارد عرصه آموزش و پرورش شدم، هر روز صبح بچه ها رو با حالتی مختلف میبینم، یکی نا داره حتی چشاشو باز نگهداره، یکی مشغول خوردنه، خلاصه که هر کدوم سبک خودشونو دارن. بدترین چیزی که همیشه باهاش درگیریم ضعف و معده درد شدید و بوی بد دهان بچه هاست.

خیلیاشون تمایل به خوردن صبحانه حتی اندازه یک لیوان آب جوش رو هم ندارن. با اینکه بارها بهشون گفت میشه صبح بیدار شدید، اول یک لیوان آب گرم بخورید، و حتما یک لقمه کوچک هم شده صبحونه بخورید! بازم توجه ندارن. سر کلاس بعد گذشت نیم ساعت شروع میکنن به اینکه خانوم اجازه خانوم اجازه، که چی؟ میشه چیزی بخوریم؟ ضعف کردیم. گشنگی باعث عدم تمرکزشون میشه. بارها دانش آموز به خاطر نخوردن صبحانه و نداشتن تحمل گشنگی دچار درد شدید معده و یا بی حالی شده. ازون طرف بعضیاشون اینقدر میخورن و حتی سیر شدن رو هم متوجه نمیشن، فقط فکرشون بهشون فرمان خوردن میده، و تمرکز کلا روی درس ندادن نگران گشنگی خودشون نی، وقت غذا تمام نشه گشنگه بمونم. واقعا بعضی بچه ها تحمل گشنگی ندارن و عصبی میشن. بعضیاشون تغذیه های عجیب دارن، پیتزا، چیپس و پفک و... اینا واقعا صبحانه نیستن، کاش یاد بگیرن از همین رده سنی سالم غذا بخورن. غذاهای گرم و کم چرب و آبدار بهترین گزینه برای تغذیه است. به شرطی که نوجوان همکاری کنه. به نظرم دانش آموز وارد مدرسه شد به سرعت وارد کلاس درس نشه، نیم تا چهل و پنج دقیقه اول نرمش و خوردن صبحانه باشه، در تایمهای بعدی احساس ضعف کردن غذا بخورن. اونم غذاهای سالم که باعث نشاط و حال خوب بشه، نه غذاهایی که عموما باعث مشکلات گوارشی میشه. خوردن وعده غذایی سالم در زمان درست.



حلمار سولی
صبحانہ نیلی

«آخیش، صبح شد بذار پنجره رو باز کنم به هوایی بیاد تو اتا... صبح بخیر! امم چه بویی راه انداختی مامان حیف که امروز میل ندارم، نمیدونم چرا، ولی شاید به خاطر هیجان اردو باشه، پس من میرم!» - «بیا اینم وسایلت، غذاهم گذاشتم حتما بخوریا.» - «باشه، خداحافظ مامان!»

«خداحافظ عزیزم!»

«سلام سیلف!» - «سلام نیلی! کجا بودی؟ بیا بریم تو صف!» - «صبح بخیر بچه ها رضایت نامه ها رو بدیده به من بعد برید داخل اتوبوس!» دو ساعت بعد؛ هورا دریا. - «نیلی، بیا بریم قلعه شنی درست کنیم!» - «نه من نمیام، میخوام صدف جمع کنم!» «باشه پس من و الی میریم!» - «بچه بیاید اینجا، خانم معلم کارمون داره!» - «خب بچه ها این صدف رو ببینید، خوشگله نه حالا بهش گوش کنید!» - «وای خانم معلم، چه صدای دلنشینی داره، نیلی بیا گوش کن!» - «آره، صداش قشنگه، بچه ها بیاید به ماهی گرفتن، خیلی بزرگه»

«وای لپسا چه ماهی بزرگیه! جون میده کبابش کنیم و لب این ساحل قشنگ بشینیم و بخوریم!» - «من که نمبخورم، تازشم صبحونه نخوردم، بچه ها من بجوریم!» - «آوه نیلی چی شد، الی برو پیش خانم معلم بگو نیلی غش کرده!»

«باشه رفتم، خانم، خانم معلم، نیلی غش بیاید کمک!» «باشه اوومد، اوه نیلی چی شده.» ۱۹ - «نمیدونیم، گفت بجوریم و افتاد. خانوم فکر کن از گشنگی بیحال شده، آخه گفت

کیفیت گندم گلستان باید در قیمت گذاری لحاظ شود



سالم، موضوعی است که در سال‌های اخیر مورد توجه کشاورزان و مصرف‌کنندگان قرار گرفته است؛ با این حال، برای معرفی محصول به‌عنوان محصول سالم یا ارگانیک، باید فرآیند تولید بر اساس ضوابط و استانداردهای مشخص انجام شود. وی تأکید کرد: اطلاع‌رسانی دقیق درباره نتایج تحقیقات و فناوری‌های آماده واکگذاری، می‌تواند زمینه آشنایی سرمایه‌گذاران با ظرفیت‌های مرکز را فراهم کند و بسیاری از طرح‌هایی که در مرکز انجام شده، قابلیت توسعه در سطح استان و حتی کشور را دارد. معاون پژوهش و فناوری مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی گلستان گفت: اجرای طرح‌های تحقیقاتی باید با نیازهای واقعی کشاورزان هماهنگ باشد و نتایج آن نیز به زبان ساده و کاربردی در اختیار بهره‌برداران قرار گیرد. شیخ ادامه داد: ارائه توصیه‌های فنی پیش از آغاز فصل کشت و تولید، از دیگر اقداماتی است که می‌تواند از بروز خسارت جلوگیری کند و کشاورزان در صورت دریافت آموزش‌های به‌موقع درباره ارقام، نهاده‌ها، بیماری‌ها، آفات و شیوه مدیریت مزرعه، تصمیم‌های دقیق‌تری خواهند گرفت. وی خاطرنشان کرد: مرکز تحقیقات گلستان آماده همکاری با رسانه‌ها، دانشگاه‌ها، شرکت‌های دانش‌بنیان و سرمایه‌گذاران است تا ضمن معرفی دستاوردهای پژوهشی، مسیر تبدیل ایده و دانش به محصول و خدمت قابل استفاده برای کشاورزان هموار شود. وی خاطرنشان کرد: اکنون ۱۹۰ طرح تحقیقاتی در بخش کشاورزی اعم از مقدماتی، تحقیقاتی، بنیادی، تجاری‌سازی در دست اجرا از سوی محققان مرکز است. فعالیت مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی گلستان سال ۱۳۳۶ در گرگان آغاز شد و اکنون دارای ۶ ایستگاه تحقیقاتی و ۲ مرکز آموزشی است که سالانه تعداد زیادی طرح تحقیقاتی در حوزه‌های منابع طبیعی، آبخیزداری، آب و خاک، صنایع غذایی، تولید بذر، نهال، گیاه پزشکی و دامپروری از سوی ۶۰ محقق تهیه می‌شود. در استان گلستان که اقتصاد اصلی آن بر پایه کشاورزی استوار است، سالانه حدود پنج میلیون تن انواع محصول در شرایط عادی و به دور از خشکسالی شامل تولیدات زراعی، دامی، باغی، جنگل و مرتع و صید و ماهیان پرورشی تولید می‌شود. بهره‌برداران کشاورزی گلستان در تولید ۱۵ محصول راهبردی شامل تولید دانه‌های روغنی کلزا، سویا و آفتابگردان، هلو، توتون و گوشت مرغ رتبه اول، گندم، چغندرقد و خرمالو مقام دوم، شلتوک (برنج) پیله تر ابریشم، میگو و پنبه رتبه سوم، ماهیان پرورشی و خاویاری رتبه چهارم و جو و زیتون رتبه پنجم کشوری را در اختیار دارند.

آموزش کشاورزی و منابع طبیعی گلستان نیز گفت: بخشی از فعالیت‌های پژوهشی مرکز به مرحله تکمیل دانش فنی رسیده و اکنون زمینه برای انتقال این دانش به بخش خصوصی و ورود آن به چرخه تولید فراهم است. فاطمه شیخ افزود: در حوزه گیاهان صنعتی جدید، ظرفیت‌های قابل توجهی در مرکز وجود دارد، اما برای توسعه این طرح‌ها باید ارتباط میان پژوهشگران، سرمایه‌گذاران، شرکت‌های تخصصی و بهره‌برداران کشاورزی تقویت شود. وی ادامه داد: مرکز تحقیقات گلستان آمادگی دارد فناوری‌هایی را که دانش فنی آن‌ها تکمیل شده است، به شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران معرفی کند تا با سرمایه‌گذاری و ایجاد زنجیره تولید، این دستاوردها از مرحله تحقیقاتی به مرحله تجاری‌سازی برسند. معاون پژوهش و فناوری مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی گلستان گفت: یکی از زمینه‌های مورد توجه، استفاده از گیاهان دارویی در تولید فرآورده‌ها و مکمل‌های تغذیه‌ای است و این محصولات می‌توانند در افزایش بهره‌وری، کاهش هزینه‌های تولید و بهبود تغذیه دام و طیور نقش داشته باشند. وی همچنین از اجرای یک طرح آزمایشی در زمینه استفاده از قارچ‌های بیمارگر حشرات در یکی از ایستگاه‌های تحقیقاتی استان خبر داد و افزود: این طرح با هدف توسعه روش‌های کنترل زیستی آفات در حال پیگیری است و می‌تواند زمینه استفاده از راهکارهای کم‌خطرتر و سازگار با محیط زیست را در کشاورزی فراهم کند. شیخ یادآور شد: استفاده از روش‌های بیولوژیک و تولید محصولات

و برداشت باشد. وی با اشاره به اهمیت پیشگیری از ورود و گسترش آفات و بیماری‌های گیاهی، افزود: هر کشاورز پیش از استفاده از یک ابزار یا فناوری جدید باید آموزش‌های لازم را دریافت کند، چون استفاده نادرست از نهاده‌ها و روش‌های فنی می‌تواند به خاک، محصول و اقتصاد کشاورز آسیب وارد کند. رئیس مرکز تحقیقات، آموزش کشاورزی و منابع طبیعی گلستان همچنین از آمادگی این مرکز برای توسعه همکاری با دانشگاه‌ها، موسسات علمی، شرکت‌های دانش‌بنیان و سرمایه‌گذاران خبر داد و گفت: بخشی از طرح‌های پژوهشی مرکز به دانش فنی قابل واکگذاری تبدیل شده است و در صورت ورود سرمایه‌گذاران توانمند، امکان تجاری‌سازی و توسعه این فناوری‌ها وجود دارد. روشنی همچنین از بستن تفاهم‌نامه همکاری با دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان و انستیتو دخانیات تیرتاش خبر داد و گفت: این اقدام مرکز در راستای تقویت ارتباط میان بخش پژوهش و میدان تولیدات کشاورزی بوده و می‌تواند ضمن هموارکردن مسیر انتقال دانش فنی به مزارع و واحدهای تولیدی، زمینه استفاده گسترده‌تر کشاورزان از ظرفیت‌های علمی استان را فراهم آورد. وی خاطرنشان کرد: هدف نهایی مرکز تحقیقات، آموزش و منابع طبیعی گلستان این است که نتیجه پژوهش‌ها و دانش فنی تولیدشده، در اختیار کشاورزان قرار گیرد و به افزایش درآمد، کاهش هزینه‌ها، ارتقای کیفیت محصولات و توسعه پایدار کشاورزی استان منجر شود. معاون پژوهش و فناوری مرکز تحقیقات،

رئیس مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی گلستان با تأکید بر ضرورت توجه جدی به کیفیت گندم تولیدی استان، گفت: خرید گندم گلستان باید بر اساس شاخص‌هایی همچون میزان پروتئین انجام شود تا کشاورزان برای تولید محصول باکیفیت‌تر انگیزه بیشتری پیدا کنند. به گزارش ایرنا، قربانعلی روشنی اظهار کرد: یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که باید در حوزه کشاورزی استان مورد توجه قرار گیرد، ارتقای کیفیت گندم و ایجاد سازوکار مناسب برای پرداخت مشوق به تولیدکنندگان محصول باکیفیت است. وی ادامه داد: گندم گلستان کیفیت و میزان پروتئین مناسبی دارد و لازم است در زمان خرید، این شاخص‌ها به‌صورت دقیق مورد ارزیابی قرار گیرد که در آن صورت، کشاورزان نیز به سمت افزایش کیفیت و بهره‌وری تولید حرکت خواهند کرد. روشنی یادآور شد: تولید محصول باکیفیت به مجموعه‌ای از عوامل از جمله اصلاح الگوی کشت، استفاده از ارقام مناسب، تغذیه متعادل، مدیریت خاک، کنترل بیماری‌ها و آفات و بهره‌گیری از دانش روز نیاز دارد. به گفته وی، گندم تولیدی این استان ۲ برابر بیشتر از سایر گندم تولیدی سایر استان‌ها پروتئین دارد و در سال زراعی جاری برای نخستین بار هر کیلوگرم آن ۳۰ هزار ریال بیش از سایر نقاط خریداری شد. طبق آمار جهاد کشاورزی گلستان، در سال زراعی یک میلیون و ۲۰۰ هزار تن گندم در این استان تولید شد که بیش از ۸۰۰ هزار تن آن به دولت فروخته شد. رئیس مرکز تحقیقات، آموزش کشاورزی و منابع طبیعی گلستان همچنین با اشاره به نقش آموزش در افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی، گفت: آموزش بهره‌برداران باید متناسب با نیازهای واقعی کشاورزان و شرایط هر منطقه ارائه شود و این آموزش‌ها موضوعاتی مانند ارقام جدید، گیاهان زراعی و صنعتی، مدیریت تغذیه، کنترل آفات و بیماری‌ها، قرنطینه گیاهی و روش‌های نوین تولید را در برمی‌گیرد. وی بیان کرد: سال گذشته حدود ۲۵ هزار نفر-روز آموزش برای بهره‌برداران بخش کشاورزی استان برگزار شد و این روند در سال جاری نیز با توجه به نیازهای جدید کشاورزان ادامه خواهد داشت. روشنی تأکید کرد: توسعه کشت محصولات جدید، بدون آموزش و بررسی‌های کارشناسی، می‌تواند خطرات و خسارت‌هایی مانند شیوع انواع آفت‌ها به همراه داشته باشد که نمونه آن در برخی مزارع زعفران استان قابل مشاهده است که برای رفع این مشکل باید، توسعه کشت محصولات جدید همراه با رعایت اصول قرنطینه، شناسایی بیماری‌ها و آفات و آموزش روش‌های صحیح کاشت، داشت

هیچ سرمایه گذاری از اجرای تلکابین علی آباد کتول استقبال نکرد



افتتاح شده هفته دولت در شهرستان حدود ۱۱ درصد بوده است. وی همچنین از گازسوز کردن کارخانه آسفالت شهرداری به عنوان یکی از اقدامات مهم مدیریت شهری یاد کرد و گفت: این طرح از سال ۱۴۰۲ در دستور کار قرار گرفت و برای اجرای خط انتقال و تاسیسات ایستگاه مبدا و مقصد، حدود سه میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان هزینه شد. وی افزود: گازسوز کردن کارخانه آسفالت علاوه بر کاهش وابستگی به گازوئیل و مدیریت مصرف سوخت، موجب ارتقای کیفیت آسفالت، کاهش آلاینده‌گی و توجه بیشتر به ملاحظات زیست‌محیطی شده است. اسفندیاری‌پور با اشاره به توسعه روشنایی معابر شهری اظهار کرد: علی‌آبادکتول از نظر روشنایی در زمره روشن‌ترین شهرهای استان گلستان قرار دارد و حدود هزار و ۷۰۰ تیر چراغ و تجهیزات روشنایی در پارک‌ها، خیابان‌ها، میادین و معابر شهر نصب شده که روشنایی شش پارک اصلی شهر به پایان رسیده و روشنایی ۲ پارک دیگر نیز در دست اقدام است.

شهردار علی‌آبادکتول با اشاره به ضرورت راه‌اندازی تلکابین در این شهر و آمادگی شهرداری برای همراهی با سرمایه‌گذاران این طرح گفت: برای اجرای این پروژه تاکنون سه مرحله مناقصه برگزار شده، اما هیچ سرمایه‌گذاری از اجرای آن استقبال نکرده است. به گزارش ایرنا، ابوزر اسفندیاری‌پور اظهار کرد: پروژه تلکابین علی‌آبادکتول منع قانونی ندارد و در صورت ورود سرمایه‌گذار، شهرداری آمادگی دارد روند اجرای پروژه را پیگیری و تسهیل کند. وی همچنین از اجرای ۳۳۳ هزار مترمربع روکش آسفالت در معابر این شهر طی ۳۲ ماه گذشته خبر داد و گفت: اجرای این حجم از عملیات آسفالت از اقدامات شاخص مدیریت شهری در حوزه عمران به شمار می‌رود. شهردار علی‌آبادکتول با اشاره به پروژه‌های هفته دولت امسال گفت: شهرداری در این ایام ۱۱ پروژه عمرانی و خدماتی را با اعتباری بالغ بر ۷۱ میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان به بهره‌برداری رسانده که سهم شهرداری از مجموع پروژه‌های